

رابطه شیوه‌های فرزند پروری با خودکارآمدی و ادراک لیاقت در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری شهر شیراز

فهمیه نظری^۱، فرشید نجفی بابادی^۲

^۱کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
^۲کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری و خودکارآمدی و ادراک لیاقت در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری مقطع ۵-۶- شهر شیراز بود. به لحاظ ماهیت و اهداف، این پژوهش از نوع توصیفی است و برای اجرای آن از روش همبستگی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان ناتوان یادگیری مراکز آموزشی اختلال یادگیری سازمان آموزش و پرورش استثنایی شهر شیراز بود که در سال ۹۳-۱۳۹۲ در پایه پنجم و ششم مشغول به تحصیل بودند. که تعداد ۱۴۵ نفر بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های خودکارآمدی عمومی شرر (۱۹۸۲)، شیوه‌های فرزند پروری شیفر (۱۹۶۵) و ادراک لیاقت هارتر (۱۹۸۲) استفاده شد. که روایی و پایایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. در سطح آمار توصیفی از آمارهایی نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. و در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. نتیجه حاصله نشان داد که دو بعد آزادی و محبت قادر به پیش‌بینی هیچ‌یک از ابعاد ادراک لیاقت در دانش آموزان اختلال یادگیری نمی‌باشد و شیوه‌های فرزند پروری قادر به پیش‌بینی خود کارآمدی و ادراک لیاقت در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری می‌باشد.

کلمات کلید: شیوه‌های فرزند پروری، ادراک لیاقت، خودکارآمدی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری.

مقدمه

اصطلاح اختلالات یادگیری را اولین بار ساموئل کرک در سال ۱۹۶۳ در انجمنی از والدین که در شهر نیویورک تشکیل شده بود، پیشنهاد کرد (به نقل از شهیم و هارون رشیدی، ۱۳۸۶). اداره آموزش و پرورش ایالات متحده و قانون عمومی ۴۷۶-۱۰۱ اختلال یادگیری را چنین تعریف می‌کند: اختلال در یک یا چند فرایند اساسی روانشناختی که در فهم یا کاربرد زبان گفتاری یا نوشتاری ایجاد مشکل کرده و ممکن است به صورت ناتوانی در گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن کلمات یا محاسبات ریاضی ظاهر گردد. در چهارمین راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی (DSM-IV-TR) ملاک های تشخیصی برای اختلال خواندن، اختلال در املا و اختلال ریاضیات مشخص شده‌اند. ناتوانایی های یادگیری غیر کلامی مانند اختلال در کارکرد فضایی، شناخت اجتماعی و اختلالات یادگیری، به گونه‌ای دیگر مشخص نشده‌اند، آورده شده است. این اختلالات به طور عمده در کودکان ۷ تا ۱۰ ساله دیده می‌شود (کاپلان، سادوک و گرب، ۲۰۰۲). هالاها و همکاران، ۲۰۰۵ (به نقل از حاجلو و رضایی شریف، ۱۳۹۰) میزان شیوع این اختلالات را در نقاط مختلف جهان بین ۳ تا ۱۲ درصد گزارش کرده‌اند. این اختلال‌ها معمولاً ناشی از ضایعه‌های سیستم عصبی مرکزی است و بسته به منطقه ضایعه، نموده‌های متفاوتی دارند. به طوری که اصطلاح اختلال یادگیری، شرایطی چون ناتوانایی‌های ادراکی، آسیب دیدگی‌های مغزی، نارسایی جزئی در مغز و آفازی رشدی را در بر می‌گیرد. بر طبق این تعریف، اختلال یادگیری به عنوان یک نارسایی عصب شناختی است و همچنین بیانگر بد کارکردهای شناختی از قبیل درک، خواندن، نوشتن و ریاضی به حساب می‌آید. (گیرو، ۲۰۰۱). در بروز اختلالات یادگیری عوامل مختلف آموزشی، محیطی، روانشناختی و حتی ژنتیک دخیل‌اند و شامل نقایص نورولوژیک (عصب شناختی)، تحصیلی، اجتماعی، عاطفی و سازشی می‌شوند (رومن، ۱۹۹۸؛ به نقل از شهیم و هارون رشیدی، ۱۳۸۶). تردیدی نیست که خانواده اثرات مستقیمی بر تحصیلات کودک و ناتوانایی‌های یادگیری آنان دارند. خانواده اولین پایه گذار شخصیت، ارزشها و معیارهای فکری کودکان است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک زندگی فرد دارد. تأثیر خانواده به عنوان نخستین و موثرترین واحد اجتماعی بر فرزندان، امری مشخص است. در جریان رشد کودک، محیط و شرایط خانواده یک عامل مثبت و مهیا کننده زمینه‌های رشد و یا یک عامل مخل و بازدارنده است. در این میان، نظام تربیتی خانواده و یا به تعبیری دیگر روشهای فرزندپروری والدین، یکی از عوامل مهم در شکل گیری شخصیت کودک است. با توجه به تأثیر شیوه‌های فرزند پروری بر شخصیت کودک، پژوهشگران با مطالعه دیدگاه های والدین درباره تربیت کودک، شیوه فرزند پروری را بر اساس دو بعد (پذیرندگی- پاسخ دهنده‌گی) و (توقع داشتن- کنترل) طبقه بندی و از ترکیب این دو بعد چهار شیوه فرزند پروری را معرفی کرده‌اند. از طرف دیگر، از جمله متغیرهایی که با خانواده و شیوه فرزندپروری آن‌ها مرتبط است، خودکارآمدی و ادراک لیاقت می‌باشد. منظور از خودکارآمدی و یا خود بسندگی، میزان اطمینانی است که فرد به توانایی خود در زمینه اجرای یک رشته امور یا انجام یک تکلیف خاص ابراز می‌نماید. ادراک لیاقت نیز نمایانگر ادراک فرد از توانایی های خود در برخورد با حیطه‌های مختلف در زندگی است. بسیاری از والدین کودکانشان را تشویق می‌کنند و باور دارند که آن‌ها می‌توانند در حوزه‌های مختلف زندگی موفق شوند تا آنجا که چنین تشویق‌هایی بچه‌ها را ترغیب می‌کند تا به اندازه کافی تلاش کند و همچنین باعث ارتقاء و رشد خودکارآمدی شخصی و ادراک لیاقت در آن‌ها می‌گردند. بر عکس والدینی که به طور مداوم تلاش های فرزندانشان را با انتقاد و تحقیر مایوس می‌کنند احتمالاً انتظارات کارآمدی پایینی را در فرزندانشان ایجاد می‌کنند (بندورا، ۱۹۹۷). با پژوهش‌های اولیه بامیرند، معلوم شده فرزند پروری مقتدرانه در طول سالهای کودکی و نوجوانی با عزت نفس، پختگی اجتماعی-اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دادند این سبک‌ها ممکن است رفتارهای مثبت یا منفی را در کودکان افزایش یا کاهش دهند. فرزند پروری مقتدرانه با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالا، خودکارآمدی بیشتر، نمرات عزت نفس بالاتر، انحرافات رفتاری کمتر و روابط بهتر با همسالان مرتبط است. سبک سهل گیرانه با بزهکاری، پرخاشگری، رفتار جنسی زودرس و انحرافات جنسی و سبک مستبدانه با پیامدهای رفتاری دروی سازی شده و برون سازی شده و سطوح پایین کنش وری ارتباط دارد (استینبرگ و همکاران، ۲۰۰۲) بنابراین از آنجا که شیوه فرزند پروری درست والدین نقش موثری در رشد ویژگیهای شخصیتی و رفتاری مثبت در کودکان می‌شود

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شیوه فرزند پروری با خودکارآمدی و ادراک لیاقت در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری پرداخته است.

طرح پژوهش

طرح پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر از نوع توصیفی همبستگی است. مطالعات توصیفی شامل مجموعه روش هایی است که هدف آنان توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود، یا یاری دادن به فرایند تصمیم گیری باشد. روش همبستگی مواقعی که دستکاری متغیرهای مورد مطالعه امکان نداشته باشد یا محدودیت های روش آزمایشی حاکم باشد استفاده می گردد به همین دلیل کنترل و نظارت روش آزمایشی در این روش وجود ندارد اما از آنجا که این روش، امکان مطالعه روابط بین چندین متغیر را به طور همزمان فراهم می سازد، بسیاری از پژوهشگران از این روش در بررسی موضوعات مورد مطالعه خود سود می برند (ترخان، ۱۳۹۰). پژوهش حاضر نیز به بررسی رابطه شیوه فرزند پروری با خودکارآمدی و ادراک لیاقت در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری پرداخته است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان ناتوان یادگیری مراکز آموزشی اختلال یادگیری سازمان آموزش و پرورش استثنایی شهر شیراز بود که در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ در پایه پنجم و ششم مشغول به تحصیل بودند. تعداد کل دانش آموزان ناتوان یادگیری در مقطع ابتدایی ۵۶۰ نفر بودند. نمونه پژوهش شامل ۱۴۵ دانش آموز دارای ناتوانی یادگیری بودند

روش نمونه گیری

روش نمونه گیری پژوهش حاضر از نوع نمونه گیری تصادفی ساده بود به این صورت که از بین دانش آموزان پایه پنجم و ششم هر مدرسه بصورت تصادفی و بر اساس شماره دفتر حضور و غیاب اقدام به انتخاب آن ها کرده و پرسشنامه در اختیار آنها قرار می گرفت.

ابزارهای پژوهش

به منظور گردآوری داده ها از ۳ آزمون استفاده شد:

پرسشنامه شیوه فرزند پروری شيفر (۱۹۶۵)

جهت سنجش شیوه های فرزند پروری والدین از پرسشنامه ای که توسط نقاشیان (۱۳۵۸)؛ به نقل از یعقوبخانی (غیاثوندی، ۱۳۷۳) در این زمینه بر اساس کار شيفر در شیراز انجام شده است، استفاده شد این پرسشنامه ابعاد مختلف کنترل-آزادی و سردی-گرمی روابط خانوادگی را مورد سنجش قرار می دهد. این مقیاس از آزمودنی ها می خواهد تا ابعاد کنترل و محبتی را که از والدین خود احساس می کنند گزارش دهند. این مقیاس دارای ۷۷ سوال است که آزمودنی بر اساس یک مقیاس ۵ گزینه ای لیکرت از خیلی موافقم تا خیلی مخالفم به سئوالات پاسخ می دهد سئوالات از ۱ تا ۴۲ برای بعد کنترل است که در این قسمت هر فرد حداقل ۴۲ و حداکثر ۲۱۰ نمره می تواند کسب کند. سئوالات ۴۳ تا ۷۷ بعد محبتی را می سنجد که هر فرد در این قسمت می تواند حداقل ۳۵ و حداکثر ۱۷۵ نمره اخذ نماید. والدین با ترکیب دو بعد فوق به ۴ دسته تقسیم می شوند: والدین گرم و آزاد گذارنده (سهل گیر)، والدین گرم و کنترل کننده (مقتدر)، والدین سرد و آزاد گذارنده (بی اعتنا و مسامحه گر)، والدین سرد و کنترل کننده (مستبد). یعقوبخانی (غیاثوندی، ۱۳۷۳) از روش تحلیل عاملی و با استفاده از چرخش واریمکس برای تایید روایی سئوالات استفاده کرد. سئوالات ۱ تا ۴۲ روی عامل دوم بار بیشتری دارد که این عامل با

توجه به مفاهیم، دربرگیرنده بعد کنترل بود و سوالات ۷۲ تا ۴۳ با عامل بعد محبت همبستگی بالایی را نشان داد. درکل نتیجه تحلیل عوامل تایید کننده اعتبار عاملی سوالات بود و نظر سازنده پرسشنامه را مبنی بر اینکه این ابزار دو بعد را مورد سنجش قرار می دهد تایید نمود.

پرسشنامه خودکارآمدی شرر و همکاران (۱۹۸۲)

این پرسشنامه توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شده است و عقاید فرد مربوط به توانایی اش بر غلبه بر موقعیت های مختلف را اندازه گیری می کند (عزیزی ابرقویی، ۱۳۸۷). این پرسشنامه دارای ۱۷ ماده است که پاسخگو بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه ای (از کاملا مخالف تا کاملا موافق) پاسخ می دهد. نمرات بالا نشاندهنده احساس خودکارآمدی بالا در فرد است (براتی ۱۳۷۶)؛ به نقل از کرامتی و شهرآرای، ۱۳۸۳). روایی سازه این آزمون را در یک گروه ۱۰۰ نفره ۰/۶۱ گزارش کرده است که در سطح ۵٪ معنادار بوده است. ضریب پایایی آزمون با روش اسپیرمن با طول برابر ۰/۷۶ و با طول نابرابر ۰/۷۶ و با روش دو نیمه کردن گاتمن برابر با ۰/۷۶ به دست آمده است. کرامتی (۱۳۸۰) آلفای کرونباخ آن را در نمونه های ایرانی ۰/۸۶ به دست آورد.

پرسشنامه ادراک لیاقت هارتر (۱۹۸۲)

این پرسشنامه توسط هارتر (۱۹۸۲) ساخته شده است و ۲۸ سوال دارد. این مقیاس یک ابزار خودارزشیابی است که شامل ۴ خرده مقیاس است که در هر خرده مقیاس ۷ ماده (پرسش) گنجانده شده است که ادراک لیاقت را اندازه گیری می کند. قدم پور (۱۳۷۷) در پژوهش خود برای بررسی روایی این مقیاس از روش تحلیل عاملی استفاده کرد. نتایج تحلیل عاملی پژوهش فوق حاکی از وجود روایی سازه مناسبی برای این مقیاس بوده است (به نقل از خرم آبادی، ۱۳۸۲). اسمعیلی (۱۳۷۴) پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه کرد که ضرایب پایایی هریک از خرده مقیاس ها به این قرار بود: خرده مقیاس شناختی ۰/۶۶، خرده مقیاس اجتماعی ۰/۸۰، خرده مقیاس جسمانی ۰/۷۰ و خرده مقیاس رضایتمندی از زندگی ۰/۸۱.

روش اجرای پژوهش

درابتدا با مراجعه به مرکز آموزش و پرورش شهر شیراز و گرفتن مجوز برای انجام تحقیق در مدارس کودکان استثنایی، از تعداد مدارس و دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری آماری گرفته شد. سپس به ۵ مدرسه مراجعه و پس از توضیحاتی در مورد پژوهش و هدف از انجام آن به مدیر مدارس، دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس در مورد پرسشنامه ها اطلاعاتی به دانش آموزان داده شد و پس از جلب رضایت آن ها، پرسشنامه ها در اختیار آن ها قرار گرفت تا اقدام به تکمیل آن نمایند. از آنجا که نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۴۵ دانش آموز مبتلا به ناتوانی یادگیری را تشکیل می دادند و با توجه به تعداد زیاد سوالات پرسشنامه و ناتوانی این دانش آموزان، کار تکمیل پرسشنامه در مدت زمان طولانی انجام گردید.

روش تحلیل داده ها

طبقه بندی، پردازش و تحلیل داده های به دست آمده جهت بررسی فرضیه ها و سوالات پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت. در توصیف داده ها از آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و در تجزیه و تحلیل فرضیه ها و سوالات پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی

پس از اخذ مجوزهای لازم، جهت اجرای پرسشنامه ها در مدارس هماهنگی های قبلی با مدیران مدارس انجام شد. بر اساس زمان بندی قبلی به مدارس مراجعه شد. به منظور رعایت اخلاق حرفه ای و موازین انسانی پرسشنامه ها در وقت مناسب و بدون ذکر نام خانوادگی آزمودنی بین دانش آموزان توزیع شد و با اطمینان از اینکه نتایج حاصل، کاملاً محرمانه خواهد ماند، پرسشنامه ها پس از اجرا جمع آوری گردید.

در پایان از مسئولین مدرسه و دانش آموزان به خاطر همکاری تشکر و قدر دانی شد.

داده های جمع آوری شده با توجه به فرضیه های پژوهش توصیف و تجزیه و تحلیل شده اند. ابتدا یافته های توصیفی نمونه پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و سپس نتایج مربوط به فرضیه های پژوهش آورده شده است.

الف) داده های توصیفی

جدول ۱- توزیع شیوه های فرزند پروری به تفکیک فراوانی و درصد		
درصد	فراوانی	شیوه های فرزند پروری
۲۶/۲	۳۸	مستبدانه
۲۴/۸	۳۶	بی اعتنا
۲۷/۶	۴۰	مقتدرانه
۲۱/۴	۳۱	سهل گیر
۱۰۰	۱۴۵	کل

پس از گردآوری اطلاعات حاصل از ابزارهای پژوهشی و داده های بدست آمده در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در بخش آمار توصیفی از شاخص های فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، حداقل نمره و حداکثر نمره استفاده گردید و در بخش آمار استنباطی از آزمون های ضریب پیرسون و رگرسیون همزمان و تحلیل واریانس یک را هم مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۱ به توزیع شیوه های فرزند پروری والدین به تفکیک فراوانی و درصد می پردازد. از مجموع ۱۴۵ نفر مورد بررسی ۳۸ نفر (۲۶/۲ درصد) در شیوه فرزند پروری میتوانند، ۳۶ نفر (۲۴/۸ درصد) فرزند پروری بی اعتنا، ۴۰ نفر (۲۷/۶ درصد) فرزند پروری مقتدرانه و ۳۱ نفر (۲۱/۴ درصد) از فرزند پروری سهل گیرانه برخوردارند.

جدول ۲- توصیف شاخص های آماری متغیرهای پژوهشی در نمونه مورد بررسی				
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره
خودکارآمدی	۶۱/۲۴	۱۰/۵۷	۳۴	۷۸

۳/۸۶	۱	۰/۵۳	۲/۴۳	ادراک رضایت‌مندی
۳/۷۱	۱	۰/۵۴	۲/۴۸	ادراک شناختی
۳/۸۶	۱	۰/۵۴	۲/۱	ادراک اجتماعی
۴	۱/۲۹	۰/۵۷	۲/۴۱	ادراک فیزیکی
۱۵۰	۷۶	۱۴/۰۸	۱۰۸/۳۰	آزادی
۱۷۰	۵۶	۲۴/۷۵	۱۲۰/۴۲	محبت

جدول ۲ نیز به توصیف شاخص‌های آماری خودکارآمدی، ادراک رضایت‌مندی، ادراک شناختی، ادراک اجتماعی و ادراک فیزیکی، ابعاد آزادی و محبت فرزند پروری در قالب میانگین، انحراف استاندارد، حداقل نمره و حداکثر نمره می‌پردازد.

ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه شماره یک:

بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با خودکارآمدی دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری رابطه وجود دارد.

جدول ۳- همبستگی شیوه‌های فرزند پروری و خودکارآمدی دانش آموزان اختلالات یادگیری			
خودکارآمدی	محبت	آزادی	
		۱	آزادی- کنترل
	۱	-.۳۹**	سردی- گرمی
۱	.۳۶**	-.۳۲**	

جهت آزمون فرضیه اول پژوهش که به بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با خودکارآمدی دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری می‌پردازد از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده گردید. نتایج جدول ۳-۴ نشان می‌دهد که خودکارآمدی دانش آموزان با بعد آزادی فرزند پروری والدین رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری را نشان می‌دهد بدین معنی که هر چه نمرات آزادی فرزند پروری بیشتر باشد و کنترل کمتر باشد خودکارآمدی فرزندان کمتر است و هر چه نمرات آزادی کمتر و کنترل بیشتر باشد خودکارآمدی بیشتر است.

و در بعد محبت (گرمی- سردی) از شیوه‌های فرزند پروری با خودکارآمدی فرزندان رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد بدین معنی که هر چه محبت والدین بیشتر باشد خودکارآمدی فرزندان بیشتر و هر چه محبت کمتر، خودکارآمدی فرزندان نیز کمتر است.

فرضیه شماره دو:

بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ادراک لیاقت در دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری رابطه وجود دارد.

جدول ۴- همبستگی بین شیوه‌های فرزند پروری و ادراک لیاقت دانش آموزان اختلالات یادگیری						
فیزیکی	اجتماعی	شناختی	رضایت مندی	محبت	آزادی	
					۱	آزادی
				۱	-.۳۹*	محبت
			۱	.۱۰۴	-.۱۰۰۶	ادراک رضایت مندی
		۱	.۲۲**	.۱۰۰۸	-.۱۰۹	ادراک شناختی
	۱	.۲۸**	.۱۷*	.۱۰۳	-.۱۳	ادراک اجتماعی
۱	.۲۳**	.۲۷**	.۱۹*	.۱۰۵	-.۱۴	ادراک فیزیکی
*P</05 **P</01						

در بررسی فرضیه دوم پژوهش که به بررسی رابطه ی بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ادراک لیاقت دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری می‌پردازد مشخص گردید که بین چهار ادراک رضایت مندی، شناختی، اجتماعی و فیزیکی دانش آموزان با دو بعد آزادی و محبت فرزند پروری والدین رابطه ی معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه شماره سه:

خودکارآمدی دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری بر اساس شیوه‌های فرزند پروری والدینشان قابل پیش‌بینی است.

جدول ۵- پیش‌بینی خودکارآمدی دانش آموزان اختلالات یادگیری بر اساس شیوه‌های فرزند پروری							
P	T	Beta	B	F	R ²	R	پیش بین
.۱	-.۲/۶۱	-.۲۱	-.۱۶				
				.۱۴/۴۶**	.۱۶	.۴۱	محبت
.۱۰۱	.۳/۲۹	.۲۷	.۱۱				آزادی

جهت آزمون فرضیه سوم پژوهش که به پیش‌بینی خودکارآمدی دانش آموزان اختلال یادگیری بر اساس شیوه‌های فرزند پروری والدین می‌پردازد از رگرسیون هم‌زمان استفاده گردید.

بدین ترتیب که دو بعد محبت و آزادی شیوه‌های فرزند پروری به عنوان متغیرهای پیش بین و خودکارآمدی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که دو بعد محبت و آزادی با $R=41$ قادر به پیش‌بینی ۱۶٪ از خودکارآمدی می‌باشد.

ضرایب رگرسیون نیز به تفکیک هر دو متغیر پیش بین در جدول ۵-۴ ارائه گردیده است.

فرضیه شماره چهار:

ادراک لیاقت در دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری بر اساس شیوه‌های فرزند پروری والدینشان قابل پیش‌بینی است.

جدول ۶- پیش‌بینی ادراک لیاقت دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری بر اساس شیوه‌های فرزند پروری								
P	T	Beta	B	F	R ²	R	پیش بین	ملاک
NS	/۱۲	/۰۱	/۰۰۰				آزادی	
				/۱۲	/۰۰۲	/۰۴		ادراک رضایت‌مندی
NS	/۴۹	/۰۴	/۰۰۱				محبت	
NS	-۱/۱۸	-/۱۰	-/۰۴				آزادی	
				/۷۰	/۰۱	/۰۹		ادراک شناختی
NS	-/۳۸	-/۰۳	-/۰۰۱				محبت	
NS	-۱/۶۴	-/۱۴	-/۰۰۶				آزادی	
				۱/۴۲	/۰۲	/۱۴		ادراک اجتماعی
NS	-/۳۲	-/۰۲	-/۰۰۱				محبت	
NS	-۱/۶۷	-/۱۵	-/۰۰۶				آزادی	
				۱/۵۸	/۰۲	/۱۴		ادراک فیزیکی
NS	-/۱۰	-/۰۰۹	/۰۰۰				محبت	

و بعد آزادی و محبت از شیوه‌های فرزند پروری به عنوان متغیر پیش بین و چهار ادراک رضایت‌مندی، شناختی، اجتماعی و فیزیکی به طور جداگانه به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون گردیدند و نتایج نشان داد که دو بعد آزادی و محبت قادر به پیش‌بینی هیچ‌یک از ابعاد ادراک لیاقت در دانش آموزان اختلال یادگیری نمی‌باشد ($P>/۰۵$).

فرضیه شماره پنج:

شیوه‌های فرزند پروری مختلف (سهل گیرانه، مستبدانه، مقتدرانه و بی اعتنا) برخوردکارآمدی دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری اثر متفاوتی دارد.

جدول ۷-مقایسه خودکارآمدی دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری در بین شیوه‌های فرزند پروری مختلف والدین					
شاخص	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
بین گروهی	۲۵۲۱/۹۰	۳	۸۴۰/۶۳		
در حل گروهی	۱۳۵۸۰/۶۵	۱۴۱	۹۶/۳۱	۸/۷۲	۱/۰۰۰
کل	۱۶۱۰۲/۵۵	۱۴۴	-		

جدول ۸-نتایج آزمون تحقیقی خودکارآمدی در بین شیوه‌های مختلف فرزند پروری			
شیوه‌های فرزند پروری	۱	۲	۳
بی اعتنا	۵۵/۳۶	-	-
شیوه سهل گیر	۶۰/۰۶	۶۰/۰۶	-
شیوه مستبد	-	۶۱/۹۷	۶۱/۹۷
شیوه مقتدر	-	-	۶۶/۷۵

جهت آزمون فرضیه شماره پنج پژوهش که به بررسی تفاوت خودکارآمدی در بین شیوه‌های فرزند پروری مختلف می‌پردازد. از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده کردید که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که سن خودکارآمدی دانش آموزان در اثر شیوه‌های مختلف فرزند پروری والدین تفاوت معنی‌داری وجود دارد و جهت مشخص نمودن وضعیت این تفاوت‌ها در بین گروه‌های مختلف از آزمون تحقیقی توکی استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۷ ارائه گردیده است و نشان می‌دهد که با توجه به نتایج آزمون تعقیبی مشخص گردید که از نظر خودکارآمدی بین فرزند پروری بی اعتنا با فرزند پروری مستبدانه با مقتدر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین می‌توان گفت فرزندان والدین بی اعتنا از خودکارآمدی کمتری نسبت به دو گروه دیگر برخوردارند. همچنین بین خودکارآمدی فرزندان والدین سهل گیر با والدین مقتدر تفاوت معنی‌داری وجود دارد که مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد فرزندان والدین مقتدر از خودکارآمدی بیشتر نسبت به والدین سهل گیر برخوردارند.

فرضیه شماره شش:

شیوه‌های فرزند پروری مختلف (سهل گیرانه، مستبدانه، مقتدرانه و بی اعتنا) بر ادراک لیاقت دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری اثر متفاوتی دارد.

جدول ۹- بررسی شیوه‌های فرزند پروری مختلف بر ادراک لیاقت دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری						
P	F	میانگین مجذورات	درجه- آزادی	مجموع- مجذورات	شاخص	متغیر
		۱۲۶	۳	۱۷۹	بین گروهی	
NS	۱۹۴	۱۲۸	۱۴۱	۳۹/۶۸	درون گروهی	ادراک رضایت‌مندی
		-	۱۴۴	۴۰/۴۸	کل	
		۱۰۸	۳	۱۲۶	بین گروهی	
NS	۱۲۹	۱۳۰	۱۴۱	۴۲/۲۸	درون گروهی	ادراک شناختی
		-	۱۴۴	۴۲/۵۵	کل	
		۱۱۴	۳	۱۴۴۷	بین گروهی	
NS	۱۴۹	۱۳۰	۱۴۱	۴۲/۷۵	درون گروهی	ادراک اجتماعی
		-	۱۴۴	۴۳/۲۰	کل	
		۱۱۷	۳	۱۵۲	بین گروهی	
NS	۱۵۲	۱۳۳	۱۴۱	۴۶/۶۴	درون گروهی	ادراک فیزیکی
		-	۱۴۴	۴۷/۱۶	کل	

همچنین نتایج جدول ۹ که به بررسی شیوه‌های فرزند پروری مختلف بر ادراک لیاقت دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری می‌پردازد نشان می‌دهد که هیچ‌یک از ابعاد ادراک لیاقت در شیوه‌های مختلف فرزند پروری والدین از تفاوت معنی‌داری برخوردار نمی‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

اینک نتایج بدست آمده مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در پژوهش حاضر رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با خودکارآمدی و ادراک لیاقت در دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا و با توجه به فرضیه ۱، رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین و خودکارآمدی در دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری مورد بررسی قرار گرفت. طبق نتایج جدول ۴-۳ خودکارآمدی دانش آموزان با بعد آزاد گذاری والدین رابطه معکوس و معناداری را نشان می‌دهد. بدین معنی که هر چه نمرات بعد آزادی والدین بیشتر باشد و کنترل کمتر باشد خودکارآمدی فرزندان کمتر است و هر چه نمرات آزادی والدین کمتر و کنترل بیشتر باشد خودکارآمدی بیشتر است. و در بعد محبت (گرمی-سردی) از شیوه‌های فرزند پروری، با خودکارآمدی فرزندان رابطه مستقیم و معنی‌داری

وجود داشت. بدین معنی که هر چه محبت والدین بیشتر باشد خودکارآمدی فرزندان بیشتر و هرچه محبت کمتر، خود کارآمدی فرزندان نیز کمتر است. نتایج پژوهش حاضر با یافته های حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۷)، توزنده جانی و همکاران (۱۳۹۰) و ترنر و مکارن (۲۰۰۹) همسو می باشد. و با نتایج یافته های نانسی الاین شاو (۲۰۰۸) و اولیک (۲۰۰۸) ناهمسو است. در تبیین نتایج فوق می توان چنین گفت، که طبق نظر شیفر، والدینی که سرد و کنترل کننده هستند رفتارهای خصومت آمیز آن ها بیشتر بر اصل تنبیه استوار است. به همراه سخت گیری و محدودیت شدیدی که نسبت به فرزندان نشان اعمال می کنند موجب ایجاد احساس خصومت شدید در فرزندان آن ها می شود. از سویی عدم اجازه به کودک در ظاهر ساختن این احساس خصومت، کودکان را عصبانی بار می آورد. تمایل به خودکشی و خودآزاری در سنین بزرگسالی در این کودکان قابل مشاهده است. این کودکان معمولاً در روابط اجتماعی ناموفق اند. گوشه گیری، خجالت و عدم اعتماد به نفس در این کودکان به وفور یافت می شود که این ویژگیها به نوعی با احساس خودکارآمدی پایین در این کودکان همراه است. اما والدینی که دارای سبک فرزند پروری مقتدرانه می باشند بدین معنا که در عین محبت به فرزندان خود بر کارهای آنان نظارت و رسیدگی می نمایند دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخدهی می باشند. آن ها فرزندان خود را به عنوان افرادی با کفایت و موفق نگریده و از آن ها مطابق با توانایی هایشان انتظار دارند. همچنین این والدین به شخصیت فرزندان خود احترام گذاشته و فرزندان مستقل، گرم و دارای روحیه همکاری بیشتری دارند و توانایی ابراز وجود و انگیزه پیشرفت بالایی دارند که چنین رویه ای به خودکارآمدی بالا منجر می شود.

فرضیه دوم پژوهش بیان می کند که بین شیوه های فرزند پروری والدین با ادراک لیاقت در دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری رابطه وجود دارد. که نتایج جدول ۴-۴ نشان داد که بین چهار ادراک رضایت مندی شناختی، اجتماعی و فیزیکی دانش آموزان با دو بعد فرزند پروری آزادی و محبت والدین رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه پژوهش رد می شود. نتایج پژوهش حاضر با یافته های رینک و هارتر (۱۹۸۹) و هوگان و همکاران (۱۹۹۲) ناهمسو است. با توجه به یافته ها، نتایج پژوهش را می توان چنین تبیین کرد که وضعیت رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک، بهره مندی از دوره های آموزشی و وضعیت پذیرش کودک مبتلا به ناتوانایی یادگیری همگی می توانند در ادراک کودک نسبت به پذیرش خود و لیاقتهای خویش دخیل باشد. بدون شک اینگونه کودکان در خانواده و در مقایسه با فرزندان دیگر، خود را در وضعیت نامطلوبی ادراک میکنند که این وضعیت در شکل گیری مفهوم خود تاثیر بسزایی دارد. اما عوامل دیگر نیز در کنار شیوه فرزند پروری والدین در ادراک از لیاقت کودکان تاثیر گذار است. همچون نگرش آموزگاران و اولیاء مدرسه و...

فرضیه سوم پژوهش بیان می کند که خودکارآمدی دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری بر اساس شیوه های فرزند پروری والدینشان قابل پیش بینی است. که این فرضیه مورد آزمون قرار گرفت و نتایج جدول ۴-۵ نشان داد که دو بعد محبت و آزادی با $r = 0/41$ قادر به پیش بینی ۱۶ درصد از خودکارآمدی می باشد. نتایج پژوهش حاضر با یافته های حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۷)، بهمنی (۱۳۸۷)، توزنده جانی (۱۳۹۰)، حق رنجبر و همکاران (۱۳۹۰)، ترنر و همکاران (۲۰۰۹) همسو می باشد. اگرچه تحقیقات آشکاری در مورد پیش بینی خودکارآمدی فرزندان از طریق شیوه های فرزند پروری والدین وجود ندارد اما شواهد قابل ملاحظه ای وجود دارد مبنی بر اینکه خودکارآمدی بالا به کیفیت بالای تعاملات مادر-کودک، حساسیت، گرمی و پاسخدهی مادرانه مربوط است. این ویژگیهای والدینی می تواند با سبک های فرزند پروری مختلفی در ارتباط بوده و عوامل محافظتی مهمی در برابر رشد کودک و ارتقای عزت نفس و کفایت اجتماعی او محسوب شود. از طرف دیگر امروزه نمی توان کودک را به عنوان صفحه سفیدی تلقی کرد که تجربه ها بر آن نقش می بندند، چراکه ویژگی ها و زمینه های خلقی کودک در تعامل هایی که با والدین خود دارند وارد میدان میشود و چنین تعامل هایی آشکارا جنبه متقابل دارند بنابراین پاره ای از ویژگیهای والدین و نیز ویژگیهای کودک، توانایی والدین در پاسخگویی به نیازهای فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهند و با ایفای نقش والدینی به طور مستقیم در ارتباط هستند. شیوه های فرزند پروری والدین نیز یکی از این ویژگیها است که آشکارا بر خودکارآمدی فرزندان تاثیر می گذارد و در بیشتر مواقع از طریق آن خودکارآمدی کودکان قابل پیش بینی است.

فرضیه چهار پژوهش حاضر بیان می کند که ادراک لیاقت در دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری بر اساس شیوه های فرزند پروری والدینشان قابل پیش بینی است. که نتایج نشان داد که دو بعد آزادی و محبت قادر به پیش بینی هیچ یک از ابعاد ادراک لیاقت در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری نمی باشد. که نتایج این پژوهش با یافته های رنیک و هارت (۱۹۸۹) و هوگان و همکاران (۱۹۹۲) ناهمسو است. مفهوم ادراک لیاقت فقط توانایی یا عملکرد نیست بلکه به عنوان دریافتبازخورد از عملکرد تعریف می شود. به عبارتی لیاقت به عنوان احساسی که فرد در ارتباط با ارزیابی از توانایی خود دارد تعریف شده تا خود توانایی ها و این ادراک تحت تاثیر عوامل زیادی قرار دارد. شاید شیوه های فرزند پروری والدین در کنار عوامل دیگر در شکل گیری و پیش بینی ادراک لیاقت والدین دخیل باشند. بنابراین کودکانی که از والدین، همسالان و معلمان خود بازخورد می گیرند ادراک لیاقت مثبت و یا منفی در آن ها به وجود می آید.

فرضیه پنج پژوهش حاضر بیان میکند که شیوه های فرزند پروری مختلف (سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) بر خود کارآمدی دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری اثرات متفاوتی دارد. که این فرضیه با استفاده از آزمون تحلیل واریانس مورد آزمون قرار گرفت و نتایج نشان داد که شیوه های فرزند پروری مختلف والدین (سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) بر خود کارآمدی دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری اثرات متفاوتی دارد. به این صورت که هر چه والدین از شیوه مقتدرانه استفاده می کردند کودکان آن دارای خودکارآمدی بالاتر و هر چه از شیوه مستبدانه استفاده می شد از خودکارآمدی پایین تری برخوردار بودند. والدینی که از شیوه مقتدرانه استفاده می کنند واقعیتها را به کودکان خود منتقل می سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک خود در رد یک رهنمود (دستور) از خود نشان می دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می جویند و به منظور توافق با کودک با او گفتگو می کنند از رفتارهای نامطلوب نمی ترسند و تاب مقاومت در برابر عصبانیت کودک را دارند والدین مقتدر به تلاشهای کودکان در جهت جلب حمایت و توجه پاسخ می دهند و از تقویت مثبت بیشتری استفاده می کنند. این والدین در بعد محبت نیز عملکرد خوبی دارند و در ابراز محبت و علاقه و مهربانی دریغ نمی ورزند. آن ها حقوق ویژه خود را به عنوان یک بزرگسال می شناسند و به علایق فردی و ویژگیهای خاص کودک خود نیز آگاهی دارند. کودکان این والدین فعال، دارای اعتماد به نفس، استقلال رای، واقع گرا، باکفایت و خشنود توصیف شده. اما والدین با شیوه استبدادی، نمایش قدرت این والدین اولین عاملی است که این شیوه را از شیوه های دیگر متمایز می کند. این والدین بسیار پر توقع بوده و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند. پیامهای کلامی والدین یک جانبه و فاقد محتوای عاطفی است. والدین مستبد غالباً هنگام اعمال دستورات، دلیلی ارائه نمی دهند. این والدین نسبت به سایر والدین در میزان مرعوب شدن در برابر رفتارهای نامطلوب در حد متوسطی قرار دارند

و در آخر فرضیه شش پژوهش حاضر بیان می کند که شیوه های فرزند پروری مختلف (سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) بر ادراک لیاقت دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری اثرات متفاوتی دارد. که نتایج جدول ۴-۹ نشان داد که هیچ یک از ابعاد ادراک لیاقت در شیوه های فرزند پروری والدین از تفاوت معناداری برخوردار نمی باشد. نتیجه این یافته با پژوهش های بهمنی (۱۳۸۷) یوسفی و تیموری (۱۳۸۷) ناهمسو می باشد. در تبیین نتایج فوق می توان چنین بیان کرد که ادراک خود، مفهوم شناختی اجتماعی است و کوشش در جهت متمایز ساختن خود از دیگری قلمداد می شود، به این صورت که اگر کودک در محیطی پذیرا زندگی کند به طوریکه مجبور به انجام تکالیفی نشود که برای انجام آن آمادگی ندارد، ادراک آن ها از لیاقتهای خود آسیب نمی بیند. منظور از محیط پذیرا فقط محیط خانواده و شیوه های فرزند پروری والدین نیست بلکه محیط مدرسه و تعامل هایی که کودک با همسالان و معلم دارد نیز در شکل گیری ادراک لیاقت فرد دخیل است. به طوریکه پژوهش های متعددی نشان داده اند که برای دانش آموزان سنین مدرسه، داشتن ارتباط موثر با همسالان و پذیرش از سوی آن ها جنبه مهمی از عملکرد اجتماعی و داشتن روابط اجتماعی موفق، عامل پیش بینی کننده خوبی از شایستگی اجتماعی آتی فرد محسوب می شود. از سوی دیگر، طرد اولیه توسط همسالان پیش بینی کننده عدم شایستگی و سازگاری اجتماعی فرد به شمار می آید. بنابراین دانش آموزانی با پذیرش اجتماعی پایین از سوی همسالان در معرض خطر بالایی از سازگاری ضعیف، ترک تحصیل از مدرسه و بزهکاری قرار دارند. از اینرو شاید یکی از دلایل معنادار نشدن فرضیه فوق فقط بررسی یک عامل (شیوه فرزند پروری) بر ادراک لیاقت کودکان بوده است. خصوصاً در مورد کودکان با ناتوانی یادگیری که نقص آن ها در زمینه

یادگیری بیشتر در مدرسه برجسته است و تعامل آن‌ها با معلمان و همکلاسی‌ها ممکن است در ادراک لیاقت آن‌ها نقش داشته باشد.

دست آورد اصلی پژوهش:

با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش آموزش و پرورش می‌تواند با اتخاذ برنامه‌های جامع و مفید در جهت ارتباط قوی و سازنده بین مدرسه و خانواده، راهکارها و برنامه‌هایی را در جهت افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها برای حمایت از دانش‌آموزان نوجوان در موقعیت‌های حساس در نظر داشته باشد، برنامه‌هایی از قبیل برگزاری کلاسهای آموزش خانواده و جلسات انجمن اولیاء و مربیان و تهیه بروشورهای آموزشی و تربیتی و که می‌تواند روش‌های برخورد با دانش‌آموزان به صورت سازنده به خانواده‌ها انتقال داد.

از آنجا که بر اساس نتایج پژوهش حاضر تاثیر شیوه‌های فرزند پروری خانواده بر خودکارآمدی و ادراک لیاقت دانش‌آموزان معنی دار می‌باشد پس با آموزش برخورد و افزایش آن و تربیت فرزندان می‌تواند در هر چه بالا بردن خودکارآمدی و ادراک لیاقت آن‌ها کمک شایانی کرد که با این سطح کیفیت آموزش و یادگیری به مراتب بالاتر می‌رود. پس آموزش و پرورش می‌بایست با در نظر گرفتن برنامه‌هایی بر ارتباط موثر و مثبت بین خانواده و مدرسه سرمایه‌گذاری کرده تا با افزایش خودکارآمدی و ادراک لیاقت آن‌ها را بهبود بخشید. مسئولین و مشاورین مدارس می‌توانند با کمک گرفتن از نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه گامی در جهت افزایش خودکارآمدی دانش‌آموزان بردارند.

منابع

۱. اسمعیلی، حسین (۱۳۷۴). مقایسه ادراک لیاقت دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی در مقطع تحصیلی اول راهنمایی و اول دبیرستان در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
۲. تونزنده جانی، حسن. توکلی زاده، جهانشیر. لگزبان، زهرا (۱۳۹۰). اثر بخشی شیوه‌های فرزند پروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور. فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی گناباد. شماره ۲. صفحه ۵۶-۶۴
۳. حاجلو، نادر و ضایی شریف، علی (۱۳۹۰). بررسی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه مشکلات یادگیری کلورادو. فصلنامه ناتوانی‌های یادگیری. شماره ۱. صفحه ۲۴-۴۳
۴. حسینی نسب، داوود. احمدیان، فاطمه. روان بخش، محمد حسین (۱۳۸۴). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با خودکارآمدی و سلامت روان دانش‌آموزان. مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی. صفحه ۲۱-۳۷
۵. زرگر، یدالله. محمدی بهرام آبادی، راضیه و بساک نژاد، سودابه (۱۳۹۱). بررسی فرایندهای خانواده به عنوان پیش‌بینی‌های مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان‌های شهر یاسوج. مجله روانشناسی مدرسه. شماره ۲. صفحه ۷۷-۱۰۳
۶. شاوران، سید حمید رضا (۱۳۹۰). تحلیل روابط چندگانه میان اعتماد، خودکارآمدی و عملکرد پژوهشی اعضای هیات علمی دانشگاه‌های منتخب دولتی شهر اصفهان. پایان‌نامه دکتری دانشگاه اصفهان
۷. شهیم، سیما و هارون رشیدی، همایون (۱۳۸۶). مقایسه عملکرد کودکان دارای اختلالات یادگیری کلامی و غیر کلامی در مقیاس تجدید نظر شده هوشی و کسلر، آزمون دیداری حرکتی بندر گشتالت و مقیاس ریاضیات ایرانی کی‌مت. فصلنامه دانش و پژوهش. شماره ۳ و صفحه ۶۱-۹۰
۸. عزیزی ابرقویی، محسن (۱۳۸۷). رابطه بین خودکارآمدی و کیفیت تجارب یادگیری با فرسودگی تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی

۹. قدم پور، عزت الله، سرمد، زهره (۱۳۷۷). نقش باورهای انگیزشی در رفتار کمک طلبی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. مجله روانشناسی. شماره ۲۶. صفحه ۱۱۲-۱۲۶
۱۰. کاپلان، هارولد، سادوک، بنجامین و گرب، جان (۲۰۰۲) خلاصه روانپزشکی. ترجمه نصرت الله پورافکاری (۱۳۸۲). تهران: انتشارات شهرآب
۱۱. کرامتی، هادی. شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۳). بررسی نقش خودکارآمدی ادراک شده در عملکرد ریاضی. مجله علوم انسانی نوآوری های آموزشی. شماره ۴. صفحه ۱۰۳-۱۱۵
۱۲. ماسن، پاول و همکاران (۱۳۷۷). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. چاپ ۱۲. تهران: نقش مرکز
۱۳. مهرابی هنرمند، مهناز. نجاریان، بهمن. بحرینی، شهناز (۱۳۷۹). رابطه شیوه های فرزند پروری با سلامت روانی و هماهنگی مولفه های خود پنداشت. مجله روانشناسی اهواز. شماره ۱.
۱۴. نیمانی، محمد. رجبی، سوران (۱۳۸۴) بررسی شیوع و علل اختلالات یادگیری در دانش آموزان دوره ابتدایی استان اردبیل. مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. شماره ۵. صفحه ۲۳۱-۲۵۲
۱۵. یعقوبخانی غیاثوندی، مرضیه (۱۳۷۳). رابطه محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز
۱۶. یوسفی، شکیلا. تیموری، سعید (۱۳۸۷). مقایسه سبکهای فرزندپروری والدین دارای کودک ADHD با والدین دارای کودک بهنجار. همایش روانشناسی و کاربرد آن در جامعه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
۱۷. بهمنی، طاهره (۱۳۸۷). مقایسه شیوه های فرزندپروری والدین و توانایی نوشتن در دانش آموزان دختر با نارسایی نوشتن و عادی پایه چهارم ابتدایی. مجله تعلیم و تربیت استثنایی. شماره ۸۷. صفحه ۱۴-۲۱
۱۸. بهرامی، نادر (۱۳۸۳). مقایسه ویژگیهای خانوادگی بر خودپنداره و میزان هوشبهر و ارتباط آنها با موفقیت تحصیلی دانش آموزان سال دوم شاخه کار و دانش شهرستان خمین. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی
19. Harter, S. (1982). The perceived competence scale for children. *Child development*. Vol 53, p: 87-97
20. Darling, N. (2007). Parenting style and fits correlates. Available at: www.othealth.com
21. Laible, D., Thompson, R. (2002). Mother-child inflection toddler year: lesson in emotion morality and relationships. *Child development*. Vol 73, p: 1187-1203
22. Scheafer, E. (2003). Circumflex model for maternal behavior. *Journal of abnormal and social psychology*. Vol 59. P: 226-235
23. Bigham, H. (2000). The relationship between obsessive compulsive disorder and parenting styles of authority rational democratic and despotic. Thesis Tehran psychiatry institute
24. Florsheim, P. (1997). Chinese adolescent immigrants: factor related to psychosocial adjustment. *Journal of youth and adolescence*. Vol 26. P: 143-163
25. Ghasemi, M., Arefi, M., Sheikholeslami, R. (2004). The study of relationship between identity and values in youngsters. Special editorial of educational sciences and psychology faculty of Ferdows university. Vol 7. P: 245-263
26. Bandura, A. (2000). Cultivate self-efficacy for personal and organizational effectiveness. *Handbook of principle of organization behavior*. Oxford Blackwell. P: 120-139
27. Tucker, S., Cross, D., Fogg, L., Delaney, K., Lapporte, R. (1998). The long term efficacy of a behavioral parent training intervention for families with 2 year old. Vol 3. P: 199-200
28. Teti, D., Gelfand, D. (1991). Behavioral competence among mothers of infants in the 1 year. The meditational role of maternal self efficacy. *Child development*. Vol 62. P: 918-929

29. Stifter,C. Bono,M(1998) The effect of infant colic on maternal self perceptions and mother infant attachment child care health and development. Vol24.p:339-351
30. Marsh,H.(1990)A Multidimensional, Hierarchical model of self concept: Theoretical and empirical justification. Educational psychology review. Vol2. P:77-172
31. Harter,S. and Pike, R(1984)The pictorial scale of perceived competence and social acceptance for young children. Child development. Vol55. P:1969-1982
32. Bandura,A.(1997) Self efficacy toward a unifying theory of behavior change. Psychological review. Vol84.p:191-215
33. Kurbanoglu,S. Akoyunlu,B. And Umay, A(2006) Developing the information literacy self efficacy scale. Journal of documentation. Vol62.p:730-743
34. Kurbanoglu,S(2003). Self efficacy: a concept closely linked to information literacy and lifelong learning. Journal of documentation. Vol59.p: 635-646
35. Hogan,A. Hagger.D. and Kouzekanani,K(1992). Self concept and peer acceptance in students with learning disabilities: a four to five year prospective study . journal of educational psychology. Vol84.p:43-50
36. Kenick,M. Harter,S(1989). Impact of social comparison on the developing self perceptions of learning disabled students. Journal of educational psychology. Vol81.p:631-638
37. Luthans,F and Peterson,S(2002).Employee engagement and manager self efficacy. Implication for managerial effectiveness and development. Journal of management development. Vol21.p:376-387
38. Wendy,S,Richard,M(1989).Parent styles associated with children self regulation and competence in school. Journal of educational psychology. Vol81.p:143-154
39. Cai-lian,T. Amanda,C. Yoon-ting,K(2012).Parenting styles and self efficacy of adolescents: Malaysian scenario. Journal of human social science. Vol12.p:18-25
40. Pintrich.P. Shank,K(1985)Multiple pathway. The role of goal orientation in learning and achievement. Journal of educational psychology. Vol22.p:544-555
41. Turner.AChandler,M.Heffer,W(2009)The influence of parenting styles achievement motivation and self efficacy on academic performance in college students. Journal college student development. Vol50. P:337-346
42. Muris,P(2002).Relationships between self efficacy and symptoms of anxiety disorders and depression in a normal adolescent sample . personality and individual differences. Vol32.p:337-348
43. Pintrich,P and De Groot,E(1990). Motivation and self regulated learning. Journal of educational psychology. Vol82.p:33-40